صاحب امتیاز : اسدالله شعاعی
سردبیر : م . رحیمی
جای اداره : چهارباغ
داخل پاساژ گازرونی
تکشماره یک ریال



کلمات بزرگان

بنی آدم اعضای یکدیگرند

☆ ☆ ☆

عدالت اجتماعی ضامن بقاء کشوراست

☆ ☆ ☆

ارزش هرکس بسته بخدمتی است که نسبت بافراد جامعه انجام میدهد

☆ ☆ ☆

شکرانه بازوی توانا بگرفتن دست ناتوان است .

سال اول — تاریخ ٤ شنبه ٢٠ آذرماه ١٣٢٠ — شماره اول

انتخابات آزاد رکن اساسی دموکراسی است

درظلمت مخوف و دهشت انگیز استبداد ، پس از قرنها تحمل زور وفشار ؛ در آسمان تاریک ایران نوری درخشید وقلوب رنجدیده وچشمهای انتظار کشیده رامتوجه خودساخت. تحت تاثیر عکس العملهای شدید استبداد وطغیان عمومی ، و کمک خارجی مشروطیت ایران به وجود آمد . ولی این کافی نبود ، می بایست آزادی نوزاد پرورش یابد و براه تکامل رود .

اما دستهای خارجی که بکمک مشروطه طلبان دیو استبداد راکوبیده بود ، بتکامل و نضج مشروطیت تمایلی نداشت حتی ازآن هراسناک بودومیدانست که اگر این نهضت مقدس اوج گیرد ؛ نوزه بیگانگان را در گلوخفه خواهد کرد . جبهه استبداد که خود را درتعرض هجوم نهضت ملی میدید و شکست خود را محرز میدانست سنگر خود رارها کرد وبازادیخواهان پیوست نه برای تسلیم بلکه برای نفوذ در جبهه جدید و ادامه سیاهکاری و رذالت دیرین خود درپشت پرده مشروطیت و آزادی ؛ برای آلودن نهضت نجات بخش ملی و برای پیش بردن مقاصد شوم وپلید خود . در این شرایط بود که یکی از ناظرین خارجی نوشت « دراین انقلاب نه شاه فهمید چه ازدست داد ونه ملت فهمید چه گرفت ! » شبحی از آزادی ایران را فرا گرفت و بالاخره بملت ششهزار ساله پس از شش هزار سال استبداد،خوف و سیاه اجازه داده شد نمایندگان خود را برای شور در مسائل « سیاسی و مملکتی » بمجلس بفرستند . اجازه دهندگان مطمئن بودند هرگز در این مجلس نمایندگان حقیقی ملت جمع نخواهند شد زیراجبهه جدیدآزادی از جاسوسان ؛ کهنه پرستان ؛ مستبدین سرشناس و دشمنان مخفی وعلنی مشروطیت مملو بود . اجازه دهندگان اگر این موضوع را ثابت نمیدانستند هرگز باین سهولت چنین امر خطیری را «تجویز» نمیکردند ـ امابحساب دشمنان ملت صد درصد درست درنیامد — آنها تصور میکردند ملتی که تازه زنجیر های کهن را از هم گسیخته و برای انقلاب تمام قوای خود را صرف کرده است نیروی کافی در موقع انتخابات نخواهد داشت و جبهه تزویر و سالوس پیش خواهد برد ولی برعکس این تصورغلط مردم که نهال مشروطیت را بارنج زیاد کاشته بودند حاضر شدند آنرا با عرق جبین وحتی خون خود آبیاری کنند.

در دوره های اول قانون گزاری عده ای از وکلای شجاع ملت ، سد مرگبار استبداد ملبس بلباس آزادی را شکستند وعلیرغم نیرنگ « طبقات

بقیه درص ٢

گفتار هفته

باانتشاراین شماره

(امید وآرزو) قدم بعالم مطبوعات میگذارد :

درکشور ما و مخصوصاً شهر اصفهان ، با وجود کثرت مطبوعات جای روز نامه ای که با طرح و بحث مسائل سیاسی ، اجتماعی ؛ حقوقی علمی حس کنجکاوی خوانندگان را ارضا نماید و حتی ذوق هنری آنان را سیراب کند ، خالی بود

در ایران روز نامه زیاد است ولی روز نامه ای که تابع مسائل سطحی وجریان زودگذر سیاست روز نباشد و بدوام و ثبات مرام خود و به تشخیص و قضاوت خوانندگان ؛ احترام وارزش قائل شود بسیار کم ومعدود است .

ما بهیچ وجه ادعا نمیکنیم که جای وسیع مطبوعات خالی را پر کرده ایم ولی بخوانندگان خود اطمینان میدهیم که باتکیه بحقیقت پرستی واعتماد بمردم از راهی که ذات بماتشان میدهد منحرف نشویم وبرای انجام وظیفه خطیری که بعهده گرفته ایم قصور نورزیم ـ روش ما این است که :

اولا با طرح مسائل اجتماعی

بقیه درص ٣

درود

از : ابر

بسلحشوران وادی نیل

زسوی کسانی که بگسسته اند — قیود زبونی و بند ستم
کسانی که بگرفته وبسته اند — پس از جنبشی سخت ؛ کتف الم

☆ ☆ ☆

زسوی کسانی که در راه صلح — قدمهای محکم ز تند و متین
کسانی که اندر بناگاه صلح — بخندند بر بانی جنگ وکین

☆ ☆ ☆

زسوی کسانی که بر خاستند — بیانک گرانت از پی انتقام
فقط حق دیرین خود خواستند — کشیدند تیغ زبان ازنیام

☆ ☆ ☆

زسوی کسانی که بشکسته اند — طلسم وبت وبتکده هرچه بود . .
بدانها که از بندگی رسته اند — بدان ها که کوبند دشمن ، درود

☆ ☆ ☆

بدانها که طغیان امواج نیل — فکنده در افکار آنان خروش
نهاده سر خصم در پای پیل — نموده نوا های دشمن خموش

☆ ☆ ☆

بدان خاک خونین یا قوت فام — که دشمن سر آورده بر آن فرود
به جنگاوران دلاور سلام . . — بر زمندگان خروشان درود

مسئله ملیت — ازمهر

ملیت در ایران

تحقیق درباره ملیت وعوامل تشکیل دهنده ملت یکی از مسائل مهم واساسی عصر حاضر است و از آنجاکه درباره علوم جدید و بیش و کمتر کتابی بفارسی تالیف یا ترجمه شده است ذهن هم میهنان ما چنانکه باید نسبت باین موضوع ونظائر آن روشن نیست .

بحث درباره ملت وچگونگی تشکیل دول ، عناصر مشکله ملیت انقلابات وتشنجات حاصله ازحس ملت دوستی نیازمند تتبعات زیادونوشتن کتاب های متعدد است و در این مختصر ادعای تحقیق وبررسی تمام این مسائل را نداریم ولی بمناسبت جنبش های ملی جدید ، قیام ملل محروم آسیا وافریقا درمقابل سود پرستان متفقا هر بتمدن ، لازم بود کلیاتی از این موضوع مهم مطرح ومورد مباحثه واقع شود .

در باره ملت وملیت کتب

بقیه درص ٣

بحث سیاسی

از : کامیار

تاریخ بامپراطوری انگلیس

فرمان عقب گرد میدهد

زمانی بود که آفتاب درامپراطوری انگلیس غروب نمیکرد ولی آن روزهم نزدیک است که آفتاب دراین امپراطوری نتابد طلوع نکند ـ زیرا مدتها است جسد فاسد استعمار بخاک سپرده شده وآفتاب تابان فردا بر جزیره ای خواهد تابید که قبرستان امپراطوری زنده بگوری است ـ وبرخاکستر آتشهای فساد وظلم مردمی زندگی می کنند دارای حقوقی نظیر ملل ممالک تونس ومراکش .

بقیه در صفحه ٣

آیا تشکیل «بلوک سوم» نزدیک است ؟

تنها اتحاد ملل زنجیرگسیخته ضامن صلح است

قرن خون ریزی

مردم از قرن بیستم توقع زیادی داشتند ، و قرن بیستم را با ترقی وتعالی با تجدد واصلاح طلبی ، با رفاه وسعادت ، با پیشرفت در تکامل تمدن مترادف میدانستند وحق هم همین بود . حق این بود که تکامل سریع اختراعات واکتشافات نضج روز افزون علم وصنعت وهنر ، دریچه جدیدی از فرهنگ وصلح وآرامش بروی بشر بازکند ولی متأسفانه این قرن عصر خون ریزی و کشمکش شد ، نه دوران صلح وترقی .

بقیه در صفحه ٤

ایمان به نیروی ملی

استبداد و استعمار ، وقتی درکشور ما بهم نزدیک شدند و پیوند مزاوجت بستند،فرزندی بوجود آوردند که باید (صفت وبی ایمانی) نامیده شود این بلای شوم و خانمان سوز تدریجا در شئون حیاتی کشور ما نفوذ کرد و بهمه جا چنگ انداخت ؛ از هیئت حاکمه گرفته تا طبقه محکومه آثار وحشتناک این مولود ناپاک در کمال وضوح همه جا نمایان است اگر دو این باره تردید دارید عقاید و افکار و کردار هرکدام را بررسی کنید و نتیجه را با کمال بیطرفی مورد دقت قرار دهید . امروز در باره سیاست عمومی کشورچندعقیده موجود است —

١ ـ هیئت حاکمه و اعضای وفادار و خیانتکار (هزار فامیل) عقیده دارند باید برای (نجات وطن) ببلوک غربی ملحق شد و کورکورانه خودرا در دامان خداوندان زرو زور انداخت و بعمر مفاخر وسنن باستانی خاتمه داد .

بقیه درصفحه ٤

دموکراسی چیست؟

از م . د

از آن زمان که تاریخ مدون گذشته بشورا نشان میدهد تاچند قرن پیش مردم حکومتی جز حکومت مطلقه نمیشناختند تاریخ ملل ودول باستانی هرچه باشد در استبداد حکومت وخودرائی فرمانروا یان مشترک است . شاهنشاهان ایران باستان وفراعنه مصر وسلاطین کلده و آشور و خاقانهای چین قدرتی ماوراءالطبیعه خودنمیشناختندوبرحسب موقعیت و زمان هیچکس فکری جزاین بخاطر خطور نمیداد . مردم عناصر مشکله دولت و منشا حکومت را نمیشناختند وفرمان شاه فرمان یزدان بود .

گو اینکه دریونان وروم جمهوریت هائی بوجود آمد که از هر حیث با استبداد مطلق فرمانروایان مشرق زمین تفاوت داشت ولی هرگز (دموکراسی) و(آزادی) بمعنی ومفهوم امروزی واقعیت نیافت وحکومت هائیکه امروز بنامهای فوق مشهور است ؛ درنتیجه تحول تمدن و سیر فلسفه وبیداری افکار بوجود آمده است

آنچه برای ماحائز اهمیت است آگاهی واستحضار ازجریان حکومت های قدیم یونان وروم وتحول وتغییر اساسی آن تا بامروز است ، هرچند چنانکه گفته شد ـ دموکراسی امروز باجمهوریت یونان و روم قدیم مشابهتی ندارد ولی نمیتوان انکار کرد که اصولا انکارجمهوری طلبی و آزادیخواهی ازاین دوسرچشمه تمدن قدیم تراوش نموده وبتدریج ضمن سیر وتحول خود دنیارا فراگرفته است . چنانکه کلمه (دموکراسی) یونانی الاصل ومرکب از دوکلمه (دمو) بمعنی مردم و(کراسی) مشتق از(کراتوس) بمعنی قدرت وحکومت است ، بنابراین آنچه ازکلمه دموکراسی

بقیه درص ٣

ادبی

رازدل

« شایا »

چیست کز گردش چشم سیهی
بازنا تیر خدنگ نگهی
گاه از بیم وهراس گنهی

☆ ☆ ☆

چیست کز دیدن یک فرد پریش
باز دیدار دلی خسته و ریش
نگرد سختی بیگانه وخویش

شعله هاگیرد و سوزان گردد ؛
خسته حال افتد وبی جان گردد
زآنچه کرده است پشیمان گردد

☆ ☆ ☆

سر بعصیان زده دیوانه شود
خجل از باده وپیمانه شود
فارغ از غمزه جانانه شود

بقیه درص ٤

انتخابات آزاد رکن اساسی مشروطیت است

بقیه از ص۱

عالیه » و محافظه کار ندای ملت ایرانرا بگوش جهانیان رسانیدند . انتخابات تاحدی آزاد بود ولی این « آزادی » بهیچوجه کافی نبود و میبایست برای استحکام و تقویت این رکن اساسی کوششهای ملی بیشتری بکار برده شود..... اما ...

کودتا

عوامل کهنه پرست و کاسه لیسانی که بانی استبداد را «ولینعمت عظمی » میدانستند و متاسفانه در صفوف مشروطه طلبان جای کافی اشغال کرده بودند از نمایندگان تند رو ملت » دل خوشی نداشتند و تصمیم گرفتند چرخ دستگاه مشروطیت را که بعقیده آنها زیاد پیش رفته بود بعقب برگردانند ؛ سیاست خارجی نیز از « افراط وزیاده روی» مشروطه خواهان بوحشت افتاده بود ووقتی پای رقیب دیرین خود را در ایران بریده دید باخیال آسوده بکمک عوامل سیاهکار داخلی شتافت و بفوج عظیم آزادیخواهان فرمان عقب گرد داد مرتکبین و مسببین اصلی این خیانت تاریخی هنوز هم زنده اند و از ملت توقع دارند که کرسی « صدارت عظمی » را درطبق اخلاص بایشان تقدیم کند - زمینه بر هرج و مرج را برای ظهور « دیکتاتور مقتدر » آماده کردند و از میان گردوخاک ناامنی وشرارت « یکه تازمیدان سیاست » را بر سر دست بلند کردند و بر اریکه « کیان» نشاندند تا دیگر ملت از این فضولی‌ها نکند و « نماینده » بمجلس نفرستند . از آن پس شما بهتر میدانید چه شد و « مردم » در انتخابات نماینده تا چه حد « آزادی » داشتند ؛ افتضاح این عمل بقدری عالمگیر شده است که وقتی دکتر مصدق اسنادمداخله دولت دیکتاتوری را روی میز شورای امنیت ریخت نماینده انگلیس دیوانه وار فریاد زد ، « اینها خارج از موضوع است ! »

پس از شهریور ۲۰

در دوره دیکتاتوری نه تنها استبداد ششهزار ساله زنده شد ومفاخر مشروطیت بباد فنا رفت و نمایندگان ملت یکی پس از دیگری مسموم ، خفه ، ترور شدند بلکه جنایت بزرگتری صورت گرفت ؛ یعنی دولت خود رائی وسیاهکاری خود را زیر لباس « مشروطیت » اعمال میکرد . بظاهر مجلسی بود و رای استبدادی . ولی درباطن سیاهترین استبداد حکمروائی داشت ها ید بهمین مناسبت آن دوره درخشان را « صدره بهتر زعهد باستان » نامیدند .

طوفان شهریور ۲۰ تمام آن دستگاه پوشالی را بباد داد و دو باره صحبت از « آزادی » و انتخابات « آزاد » میان آمد ولی همان دستی که از رشد مشروطیت جلوگیری کرد ، همان دستی که برای ملت دیکتاتور تراشید . همان دستی که « انتخابات آزاد » را بصورت خواب و خیالی جلوه داده بود ، از آستین بیرون آمد وجلو مردم را گرفت ؛ سیاست ریشه دار انگلیس بکمک ایادی فاسد « صلاح نمیدانست این آرزو جامه عمل بپوشد » در انتخابات دخالت کرد وبدولت هم دستور داد دخالت کند وحتی مانند گربه ریاکار سربدرگاه رقیب شمالی نهاد تا هر طور مصلحت بداند صندوق‌های آراء را بنفع خود کامل کند .

جنگ بود ومصالح دول معظم ایجاب میکرد که دست بهر خیانت وجنایتی بیالایند — هیئت حاکمه باین بهانه مردم‌را خاموش میکرد ، بازهم کسی که خون دل خوردوهیچ نگفت و هیچ نمیتوانست بگوید ملت بود تحت این شرایط مجلس چهاردهم بوجود آمد -

در دورهٔ پانزدهم موضوع صورت وقیح‌تری بخود گرفت « نو یسنده قانون اساسی » حزب دولتی تشکیل داد وروی هیتلر و هیملر و فرانکو را سفید کرد انتخابات آزاد بود ولی تنها برای اعضای حزب مقدس - یکمرتبه دیگر جویندگان انتخابات آزاد باهیولای شکست مواجه شدند و لی این شکست باعقب نشینی های قبلی فرق داشت اگر در دفعه قبل « مصالح عالیه دول همجوار » آزادی انتخابات راپامال میکرد این دفعه هیچ موجبی جز خیانت باصول لازم‌الاجرای قانون نمیتوانست این حق مسلم را از مردم سلب کند .

در دوره شانزدهم مردم بیدار شده بودند ولی خائنین هم خواب نبودند باتهامت وقاحت یك شبه دیکتاتوری مسخره ایجاد کردند و با وقیح ترین و رسوا کننده ترین اقدامات باز هم‌حق محرز مردم راغصب نمودند ؛ اجیر کردن انتخاب کننده ، عوض کردن صندوق ، تحمیل وکیل دولتی ، خیمه شب بازی در تشکیل انجمن نظارت ؛ عوضی خواندن اسامی بفاحش ترین وجه ومسخره ترین صورت جای انتخابات آزاد راگرفت

یك عقیده خطرناك

غرض ما از یادآوری گذشته تاریخ نویسی نیست منظور این است که با استثنای چند دوره انتخابات درصدر مشروطیت که ضربات گیج کننده انقلاب ، سیاهکاران‌را به بهت فروبرده بود ودرنتیجه ملت ازآزادی نسبی برخوردار گردید در تمام دوره های دیگر چهره ننگین مداخله بعناوین وبرنگهای مختلف نمودار است

تمام روسای دولت ها « قول » داده اند وطی « ها » اعلامیه و ابلاغیه »مردم‌رامطمئن کرده اند که در انتخابات دخالت نخواهند کرد ولی معهذا دخالت کرده اند — اینك بار دیگر ملت ما درآستانه انتخابات قرار گرفته است .

در اینجا از ذکر این نکته ناگزیریم که عوامل خائن وایادی بیگانه از همه طرف سعی میکنند حق مسلم انتخاب نماینده را از مردم سلب کنند و یا لا اقل ازاهمیت آن در نظر ملت بکاهند ولی ما صریحا اعلام میکنیم که انتخابات آزاد رکن اساسی و پایه اصلی مشروطیت است و تا وقتی اجرای صحیح وکامل این حق برای ملت تامین نشده است ذکر کلمات مشروطیت وآزادی و دموکراسی مسخره خواهد بود .

دشمنان ملت درتعقیب نقشه تبهکارانه خود فریاد میکشند : درایران انتخابات آزاد معنی ندارد مردم رشد سیاسی ندارند ، نمیتوانند وکیل حقیقی خودرا معین نمایند اگر این زوزه خیانت آمیز فقط اختصاص ببزرگان داشت ما زحمت نقل وتفسیر آن را برخود هموار نمیکردیم ولی متاسفانه این زمزمه ناهنجار کم کم ازسرچشمه اصلی خود باطراف نفوذ میکند و بهمین مناسبت لازم است منظورشوم سازکنندگان این نغمه را فاش سازیم . این اشخاص از یك مقدمه صحیح نتیجه غلط می گیرند - درست است که ملت ایران باندازه مردم سویس وسوئد رشد سیاسی واجتماعی ندارد و لی این نیز صحیح است که ملت سوئد وسویس ازاول مثل امروز بیدار وهشیار نبودند وتحت تاثیر رشد دموکراسی بمرحله امروزی رسیده اند این موضوع راهم باید قبول کرد که اگرچند دوره انتخابات آزاد باشد ملت ما هم بهمان راهی که متمدنین جهان میروند خواهد رسید تاکنون اکثریت مردم بعلت اعتراض بمداخله دولت وبعلت مبارزات اجتماعی دراین امرخطیر شرکت نکرده . دولت فعلی با تامین آزادی انتخابات می‌تواند بیاس مردم خاتمه داده افتخاری فنا ناپذیر تحصیل کند . ما معتقدیم که نه‌تنها انتخابات آزاد ممکن است بلکه وظیفه اساسی دولت میدانیم که وسیله اجرای این‌حق رابرای ملت تامین وتضمین نماید . نتیجه انتخابات آزاد هرچه باشد ازنتیجه انتخابات دولتی بهتر و بمصالح اجتماع نزدیکتراست

اگر کسی جز دکتر مصدق در راس دولت بود ما زحمت نوشتن این تذکرات را بخود تحمیل نمیکردیم ولی‌مردم ازرئیس دولت فعلی توقع دارند و میخواهند همانطوریکه قول شرف داده اند قبل از همه‌چیز دخالت تمام دستگاههای کشوری ولشگری را در امر انتخابات موقوف سازد اما برای حسن اجرای انتخابات‌تنها عدم مداخله کافی نیست ،وظیفه‌اساسی دولت است که علاوه بر توجه دقیق بموضوع فوق ، نکات زیراهم مورد دقت قرار دهد :

۱ - از مداخله تمام مراجع و مقامات ذی‌نفوذ بهر شکل و عنوان که‌باشدجلوگیری نماید وسندمداخلات آنان را روی میز دادگاه بریزد

۲ - محیط امنی برای انتخابات فراهم سازد و نیرنك کسانی را که بابهانه دادن بدست دولت باپاتشبث بجنجال و تحریك میخواهندآب را گل آلود کنند و ماهی بگیرند فاش سازد و از هرگونه تقلب ودسیسه‌ای جداجلوگیری نماید ،

۳ - بمامورین خود دستوردهد انجمن‌های نظارراباحضور نمایندگان حقیقی مردم تشکیل دهند و از جمع وجور کردن « محفل خانوادگی » بجای انجمن قانونی خودداری کنند در این‌قسمت تنها صدور دستورکافی نیست دولت باید در اجرای آن نظارت کندومتخلفین‌راتسلیم‌محاکمه و مجازات نماید .

۴ - بمردم اجازه دهد در کار خوانندگان آراء وحافظین صندوق نظارت کنند تا دیگر آراء حسن بنام حسین خوانده نشود و یکنفر ناشناس با « هزارها» رای !!! سر از صندوق بیرون نیاورد و ضمنا متخلفین احتمالی را تسلیم دستگاه قضائی کشور نماید.

۵ - برخلاف دوره‌های گذشته بمنظور عدم دخالت مامورین، ازنقل و انتقالهای کارمندان دولت‌خودداری کند ودرموقع انتخابات از نظایر اینگونه اقدامات که مردم‌راشدیدا مشکوك‌ومظنون میسازدامتناع‌ورزد

۶ — دولت از حمایت طرفداران این‌الوقت و محافظه کارخود بهر صورت خودداری کند البته‌مواردفوق حداقل مقدورات دولت‌است واگردولت دلسوز ملت باشد میتواند واقعاآزادی انتخابات را از جهات دیگر نیز تامین نماید - مثلااستعفای وزرا بمحض شروع انتخابات یعنی موقعیکه بند وبست‌های احتمالی خود را انجام داده اندصحیح نیست وتنهامردم‌ساده دل وزودباور را به بی‌نظری اولیاء امور مطمئن میسازد .

این بود آنچه دولت باید انجام دهد واین بود موانعی که در راه آزادی انتخابات موجود است وباید برطرف‌ساخت.

بدیهی است بامرتفع ساختن‌این موانع هنوزهم باانتخابات دنیا پسند فرسنگها فاصله خواهیم داشت‌هنوز بانوان [illegible] خودشان‌روز افزون [illegible] ازحق‌مسلم خود‌محرومند هنوز امکان آوردن [illegible] اوقطار های حامل « رای‌دهندگان » غافل و خواب آلود برطرف‌نشده است — هنوز حزب قوی و بانفوذ نداریم و بنا بر این عقیده ومرام وکلا (که ناچار ابن‌الوقتند) معلوم نیست — هنوز روشن نیست وکلای حسابگر وموقع شناس باچهره‌ملی نیز همات

چاره راه نجات

خواهند کرد که با «حزب دمکرات ایران» کردند یاوجدان اجتماعی آن‌ها آگاه‌تر وبیدارتر شده است بادرنظر داشتن این‌نکات و با اطمینان باینکه انتخابات آزاد بهر صورت وبهرشکل که‌باشد ازتحمیل فلان وبهمان بهتراست ازدولت می خواهیم که‌مردم را آزاد بگذارد تا نمایندگان واقعی خود را بمجلس بفرستند ویکبار هم تجربه کنند که آیا انتخابات آزاد در کشورما عملی هست یا نه .

ما از آقای دکتر مصدق - دکتر حقوق خواهانیم که حقوق از دست رفته مردم را بایشان بازگرداند وبا این عمل پایه واساس مشروطیت را ومستحکم سازد .

از : عبد اله

در مناجات ملك‌الانجلیز

خدایا نفت رفت وکانال . پامال شد - سلحشوران امروز
افتادگان دیروز ند وبریا ران نیروز - دشمنان درطرب ودوستان
در سوز ؛

مپسند ای خداکه ایرانی - خیزد از خاك وروجان گیرد
گیرد از دست ما زمام امور - شاهد نفت در میان گیرد
خدایا ،کلمه (ملی) برانداز که لغتی ناساز است ونشان
آز - موجد نیاز است و وسیلت کشمکشی دراز -
اگر ایرانی ذلیل شده - صاحب رخت وآب ونان گردد
کلنك انگلیسی ها کنده است - نام ما محو از جهان گردد

بارالها ؛ قومی بیفرهنك . عزم ما کردند وشیشه عمرما
سنك زدند وثروتی عظیم فرا چنك آوردند - عرصه بس قوم
تنك ساختند ومفاخر چهار صد ساله ایشان هدف خدنك نه
جنگ ترسیدند ونه از نیرنگ - چندان که لیره های قشنك رشته
آشوبان شوخ وشنك وحرافان جفنگ را پای تدبیر لنك آمد
حالی نه مجال گریز است نه جای‌درنك حنای ما بی رنك وقاروره[1]
امید بر سنك - نام مادرمعرض ننك ماجرا جویان زرنك وجاسوسان
دبنك وستون‌پنجم منك وشیر بریتانیا سخره روباه‌فرنك (گردش
بشکند درنك ... درنك ...)

ای کریمی که ازوسایل جنك - بندگان را تفنك دادی وتیر
بمب های مهیب هیدرژنی - آفریدی ز قدرت تدبیر
حربه ای تازه آفرین که مگر - فکرها را کشیم در زنجیر
چتر بازان مرعوب - ناوها مغلوب - (کارشناسان) منکوب
طرفداران سرکوب - نفت در وضعی نا مطلوب - همه در آشوب
بازار سیاست کهن نامرغوب وزیر پای‌ماجاروب ! !

مپسند ای خدای من که شود - نام (مستر) از این جهان معدوم
گرکه ویرانه ها شود آباد - درکجا آشیان کنداین بوم

ای عالم‌بالسر والخفیات ؛ وای خالق کائنات تودانی که زالو
از خون حیوانات رشد گیرد و(استعمار) از غارت موجودات
همچنان که زالو را آن مر مستحکم است مرمرا این حق مسلم !
از تو خواهم که رایت گرد نکشی بزیر آری وما را دلیر سازی تا
بار دیگر به نیروی شیر گیر فلان امیر وبتزویر فلان وزیر مترق‌را
اسیر وشرقیان رادر زنجیر سازیم تا کفران نعمت ونگین نکنند و
شمشیر بر ولینعمت دیرین نکشند ،

کردگارا ؛ توکار ایرانیان و مصریان بساز تا آن یك خون
من نخورد واین یك رك من نبرد - باقی را خوه دانم که‌هنوز عنان
عراقیانم در دست است وآل عثمان ازباده حماقت‌سرمست -چرچیل
رافرمایم تاایشان را بساز ما برقصانند که نوکرانی جبانند و سیادت
مرا پاسبان وحکم مرانگهبان وگوش هوش برفرمان فبای
آلاء ربکماتکذبان .

---

[1] ۱ - قاروره اندر لغت شیشه را گویند

ملیت در ایران

بقیه از ص ۱

های زیادی نوشته شده وتحقیقات وسیعی بعمل آمده است ولی اولا تمام این آثار بزبان های بیگانه است • ثانیا دانشمندان خارجی با روش دیربین تحقیق و تتبع در ... قدیم ایران را بلحاظ نبودن مدارك كافی مسكوت میگذارند از این نظر تمام بررسی ها و مطالعات اجتماعی از تمدن قدیم یونان و روم شروع میشود • در صورتی که بدون شائبه تعصب باید ... کرد • تمدن ایران باستان از بسیاری جهات منبع تاریخی وسیعی برای علمای علم الاجتماع (سوسیولوژی) بوده وهست —

دانشمندانی که درباره مسئله ملت ... ق پرداخته اند باین نتیجه رسیده اند که افكار ناشی از « ملیت » زائیده تمدن جدید واز مشخصات قرن هیجدهم است و در تمدن های یونان وروم فکری که ناشی ازاین موضوع باشد • وجود ندارد

اما بعقیده ما اگر در یونان روم قدیم اثری ازاین فکر نبوده دلیلی نیست که درسایر تمدن های باستان نیزبی سابقه باشد . بطور مثال سند زنده وانکارناپذیری دردست داریم که عبارت از شاهنامه فردوسی است •

چنانکه میدانیم درشاهنامه بارها نام « ایران » و «ایرانی » بمیان آمده • بدون آنکه طبقه مخصوصی مورد نظر گوینده باشد وحال آنکه تمام ساکنین یونان قدیم « یونانی » (بمعنی عضو اجتماع یا « سیته ») نبودند وعده زیادی از بی چیزان از « ملت یونان » مجزا محسوب می شدند وعلاوه بر آن غلامان « بشر » شناخته نمیشدند درحالیکه درایران چنین امتیازی برای طبقات اجتماع وجود نداشت •

شاهنامه بحق « سند ملیت ایران » نامیده شده است و اگر پایه سوء ظن را بالا ببریم وبگوئیم تمام خصایص واوصافی که فردوسی بایرانیان قدیم نسبت داده صحیح نیست باید اقرار کنیم شخص فردوسی عقیده داشته است که باید ملت ایران صرف نظر از نژاد ومذهب وزبان متحد شود ورشته مشترکی (که امروز ملیت نامیده میشود) حاکم بر افراد این کشور باشد و تمام مزایای دیگر تحت الشعاع این خصلت مشترك قرار گیرد روح این عقیده از تمام اشعار وداستان های شاهنامه بخوبی پیدا است اگر اشعاری مانند « چو ایران نباشد تن من مباد » و بیت « همه ایران سرای من است — که نیك و بدش از برای من است » امروز بواسطه کثرت استعمال و شیوع افكار مترقی چندان جلب توجه نکند سرودن آن درچندقرن قبل نشانه حلول حس ملیت در شاعری مشترك است • فردوسی قهرمانان ملی نظیر « رستم » را آن قدر بزرك میکند که گاه شاهنشاه نیز در مقابل او بتکریم وتعظیم وحتی بتسلیم وادار می کند • مثلا کیکاوس پس از خشم گرفتن رستم این طور از در معذرت بیرون می آید :

«چوآزرده گشتی توای پیلتن
پذیره شدم ، خاکم اندر دهن!»

در این جا بزرگترین مظهر اقتدارقدیم سر به آستان نماینده ملت می گذارد •

در تمام جنگها آن که باید پیروز شود « ایرانی » است نه دین مخصوص او زیرا « هنر » نزد ایرانیان است • درجنگهای ایران بامسلمانان بعقیده فردوسی « ایرانی » با « عرب » روبروست نه دین زردشت با اسلام واز این رو نتیجه میگیرد :

« دریغ است ایران که ویران شود » •

فردوسی ایران دوست است نه نژاد پرست واز این رو مانعی نمی بیند که « بیژن » پهلوان ایرانی با « منیژه » ترك نژاد دست دردست هم گذارند •

یك مسئله دیگر که جلب توجه میکند عقیده عده ای است که میگویند اساسا فردوسی نظره ملی» نداشته وبطمع درهم و دینار سلطان محمود دست بکار تنظیم شاهنامه زده است « نلدکه » مورخ ومستشرق معروف آلمانی که یقینا تعصب و نظری در باره ایرانی نداشته این عقیده را رد کرده است وماعین دلایل اورا در جواب صاحبان عقیده فوق نقل می‌کنیم •

۱ — فردوسی تصریح میکند که آرزوی تنظیم (نامه خسروان) در مخیله او بوده وپس ازآنکه از کاردقیقی اطلاع حاصل کرده است رانجام آن همت گماشته :

براینگونه یك چند بگذاشتم
سخن را نهفته همی داشتم

۲ — فردوسی درسال ۳۷۱ هجری بسرودن شاهنامه مبادرت نموده درحالیکه سلطان محمود ۱۸ سال پس از این تاریخ (درسال ۳۸۹) بپادشاهی نشسته است و این ثابت میکند که مشوق فردوسی حس ملت دوستی او بوده نه احسان احتمالی شاه غزنوی

۳ — بچند دلیل زیرشاهنامه بدستور سلطان محمود تدوین نشده است •

الف — حماسه ملی ایران مخالف نظر ترکها بود که قدرت سیاسی و عمومی را دردست داشتند

ب — سلطانیکه اسیر تعصبات مذهبی وبالقاب اهدائی خلیفه مانند (امین المله) وغیره دلخوش بود و انتظار داشت که امثال فرخی (فتوحات) اورا باآب و تاب نقل کنند وحدیث اسکندررا در مقابل جهانگیری او کهنه بدانند، پادشاهی که اسیر باده وساده بود وبغمزه های امثال (ایاز) سرگرم بود نمیتوانست کتابی چون شاهنامه را درك کند همانطور که عاقبت هم درك نکرد —

ج — از اشعار فرخی وعنصری چنین برمیآید که سلطان محمود نمی توانست بمدح پادشاهی غیرازخود و ازآن جمله شاهان ایران باستان رضا دهد •

دموکراسی چیست

مفهوم میشود (حکومت مردم) است وبعبارت دیگر منظورازآن اعمال حق حاکمیت بوسیله ملت میباشد

چنانکه میدانیم درزمان قدیم حاکمیت بوسیله فرمانروایان اعمال میشد ومردم درتعیین سرنوشت خود هیچگونه دخالتی نداشتند ودرهر صورت چیزی که رعایت نمیشد اراده ملت بود — زیرا اصولا فرض ارا ده برای عوام کالانعام ازطرف فرمانروایان مطلق العنان مشکل بود • حکومت موروثی بود واگر احیانا برای انتخاب فرمانروا اشکالی پیش میآمد از همه چیز استفاده میشد جزارجاع بمردم • داستانهای ملی ما که برای انتخاب پادشاه پرواز دادن بازرا متذکر میشود وباز بوالهوس گاهی بر سر اشخاص گمنام و بی نام می نشیند • حاکی از همین موضوع است •

صرفنظر از افسانه ها ، روایات تاریخی نیزمؤید همین نکته است ؛ پس از کشته شدن (گوماتا) برای انتخاب یکی ازبزرگان پارسی باید اسب شیهه بکشد ، درزمان ساسانیان تاج سلطنت میان دوشیر شرزه گذاشته میشود تاکسی چون بهرام گور شیرهارا بکشد وتاج سلطنت را برسر گذارد •

گذشته ازآن هر(امیری) که درگوشه وکنار مملکت نام ورسمی پیدا میکند ؛ عده ای را دورخود جمع مینماید وبرضد پادشاه وقت (لشکر کشی) میکند وچه بسا که تاج سلطنت را برسر میگذارد ومرکز قدرت وحکومت میشود

دراین زمان یك مرکز قدرت دیگر نیز گاهگاه خود نمائی میکند وآن « قدرت روحانی » است که درمقابل فراعنه بشکل « کهنه » ودربرابر خاقان باسم برهمن ودر قبال شاهنشاهان ایران بصورت موبدان ودرمقابل سلاطین اروپا بنام قدرت کلیسا جلوه گرمیشود ولی ازنظرکلی و عمومی این نیروتابع قدرت اولی است ومستقیما وبلا واسطه منشاء اثری نیست

خارج از این جریان کلی تاریخ ملل یونان وروم جلوه خاصی دارد • درآنجا ظاهرا جمهوری حکمفرماست . قدرت دردست برگزیدگان ملت است وحتی قاضی نیز انتخابی است وازحق حاکمیت منشاءحکومت صحبت می شود •

علت این جریان وضع عمومی مردم ساکن این دوشبه جزیره و پیشرفت تمدن و مخصوصا رواج فلسفه است که مبحث (حق) و (اجرا)و(عامل اجرا)و (منشاءحق)واصولا مفهوم (حقوق) را بوجود می آورد •فلاسفه در خصوص تمام این مطالب بحث میکنند و مردم را تعلیم میدهند وآنان را بحقوق خویش آشنا میسازند - از همینجا موضوع دخالت مردم درحکومت وبعدها بدست گرفتن دولت توسط مردم مطرح میشود و بتدریج نضج و توسعه می یابد ولی این شکل جمهوریت چنانکه گفته شد هنوز مراحل کمال را نپیموده است اضمحلال تمدن یونان وروم و رواج افکار مذهبی که حکومت را ودیعه ای الهی نزد سلطان میداند موقتا افکار جمهوریخواهی و آزادی طلبی را ازاذهان دورمی سازد تا در دوره رنسانس مجددا پیشروان علم وفرهنگ سخنان فراموش شده رابیادمردم می آورند و بتدریج در اروپا دموکراسی یعنی حکومت مردم برمردم رواج وتوسعه می یابد

بدیهی است نظیر این جریان در کشور باستانی ما وقوع نپیوست در ایران اساسا دموکراسی و تمام مباحث مربوط بآن بی سابقه است و آنچه ما بنام حکومت مشروطه داریم تقلیدی ازتمدن غرب میباشد از این جهت بررسی در مبدء ومنشاء آن وتحولاتی که درطی قرون و اعصارمختلف دیده است و روش اقتباس آن از اروپا موضوعی است که درمطبوعات ایران کمال لزوم را دارد وما سعی خواهیم کرد طی شرحی مختصر(که ناچار ناقص خواهد بود) رئوس مطالب اساسی دموکراسی را شرح دهیم واز مطلعین انتظارداریم تکمیل آن را که بشدت مورد نیاز دموکراسی جوان کشورما است عهده دارشوند

بحث در اینگونه مطالب بقدری در ایران بی سابقه بود که وقتی درصدد مشروطیت خواستند حکومت جدید را نام گذاری کنند کلمه مناسبت با سابقه ای نیافتند. کلمه مشروطه برخلاف آنچه مشهور است ازماده شرط عربی نیست بلکه ماخوذ از شرت لغت فرانسه است که بمعنای منشورمیباشد وناچار حتی اسم حکومت را ازدیگران اقتباس کردند

ما دراین مختصر مطلب را از تعریف دموکراسی شروع میکنیم و با شرح مختصری ازجمهوری های یونان وروم به بحث درخصوص مبادی واصول آن از نظر نویسندگان وحقوق دانهای معروف چون روسو — منتسکیو وسایر متفکرین قرن هیجدهم خاتمه میدهیم تاخوانندگان بمنشاء قانون اساسی که عده ای از هم میهنان ما با خون خود تحصیل کرده اند واقف گردند

بقیه دارد

تاریخ بامپراطوری انگلیس

بقیه از صفحه ۱

درسالهای اولی که اتلی زمام امور بریتانیارا بدست گرفته بود یکی ازروز نامه های این کشور نوشت که او ماموراست جسدامپراطوری انگلیس را بخاك بسپارد . البته این ماموریت رامردم کشور های مستعمره باوداده بودند ولی امروزچرچیل آمده است تاآن مرده کفن پوسیده رازنده کند — اینك باید دید تاچه حددم عیسای چرچیل مؤثر خواهد بود — بریتانیا دردوجبهه مشغول عقب نشینی نامنظمی است — یکی درجبهه داخلی ودیگری درجبهه خارجی

درداخله این کشور گرانی سرسام آوری حکمفرماست، اغلب لوازم ضرودی زندگی جیره بندی است ، مواد خوار باررو ز بروز کمیاب تر وگرانتر میشود ، طبقه سوم هرروز درفشار جدیدی قرار میگیرند زیرا دولت فخیمه بریتانیا مجبوراست اکثر بودجه کشوررا صرف تسلیحات کند دولت انگلیس نان وپنیر کارگر کشور خود را میگیرد و گلوله میسازد وباآن گلوله شکم کارگر مصری راسیر میکند — این است شاهکار سیاست حزب محافظه کار — وضع اقتصادی مملکت روز بروز بدتر میشود وملت درمقابل قرضه های امریکا بزانو درمیآید ، درحالیکه ذخیره ارزی کشور صرف خریدلوازمی میشود که سابقا ازمستعمرات مصادره میشد. همه این موانع امپراطوری معظم را درداخله گیج کرده است وآنوقت چرچیل میخواهد بامریکا پروازکند تا بقول یك روزنامه امریکائی : دولت اخیرالذکر مانند زمان جنك دردادن قرضه وکمك دست و دل باز باشد درسیاست خارجی مشکلات امپراطوری روزافزون است

دولت بریتانیا ناچار بامریکا نزدیك شده وازاین نزدیکی دو ضرر کرده است یکی اینکه دوستی شوروی وبلوك شرقی راازدست داده ودیگر آنکه دوستی او با امریکا از نوع وصلت روباه باشیر است زیرا تمام کوششهای این دولت برای جلب موافقت امریکا بااعمال زور درایران ومصر باشکست مواجه گردیده وچرچیل رابی اندازه عصبانی ومایوس ساخته است .

ازطرف دیگر درزمانی کوتاه امپراطوری بریتانیا بامشکلات زیر مواجه گردید :

۱ — بازار چین واروپای شرقی را ازدست داد و درهمه جا با نفوذ روزافزون امریکا مواجه شد

۲ — نفت ایران را ازدست داد ومجبورشد درقراردادهای ظالمانه عراق،کویت وماوراء اردن تجدید نظر کند

۳ — باقیام دلیرانه مصر یها مواجه گردیدوتتمه آبروی خودرا ازدست داد .

٤ — دول اسپانیا — هندوراس — گواتمالا — سربلند کردند وحقوق ازدست رفته خودرا خواستار شدند

اینك درهمه جا پایه های موریانه خورده تخت استعمار میلرزد تاریخ بیدار وآگاه فرمان میدهد که انگلیس ازهمه طرف تا حدود جزایر بریتانیای کبیر عقب نشینی کند و در آنجا مجلس ترحیم امپراطوری ازدست رفته رادایر نماید

این است فرمان تاریخ!

گفتار هفته

بقیه از ص ۱

و — وقتی در ترقی سطح فرهنك و معرفت عمومی بسهم خود کوشا باشیم ثانیا بابحث دراطراف مسائل اساسی جهانی و وقایع مهم کشور خوانندگان را در جریان واقعی امور قرار دهیم •

ثالثا — با درج مقالات ادبی ونمونه های مترقی شعرذوق و قریحه هنر دوستی خوانندگان عزیز را تقویت کنیم وآنان را با هنر معاصر آشنا سازیم ومسائل عمومی را ضمن نوشته های فکاهی که بذهن توده مردم آشنا تر وسریع التاثیر تر است مطرح کنیم •

ما در انجام منظور خود ازعموم خوانندگان ارجمند انتظار پشتیبانی ومساعدت داریم •

برای این که عده بیشتری از روزنامه ما استفاده کنند بهای تك شماره را فقط یك ریال منظور کردیم البته خوانندگان تصدیق خواهند کرد که نسبت بمطالب خوداین روزنامه ارزانترین مطبوعات کشور است اما ازکسانی که استطاعت کمك مادی بیشتری دارند تقاضا داریم روزنامه را مشترك شوند و برای این که مطمئن باشند پولیکه میدهند بمصرف خیرخواهد رسید چون از انتشاراین روزنامه نظرمادی نداریم تصمیم گرفتیم درآمد حاصله رابمصرف دایر کردن شیرخوارگاه کودکان برسانیم واکنون اولین قدم را در این راه برداشته ایم. این شماواین «امید وآرزوی» ما •

امید و آرزو

ایمان به نیروی ملی

بقیه ازص ۱

۲ – عده ای که خودرا «آزادیخواه» و «پیشرو» میخوانند و همیشه در جهت خصوصی فرسنگ ها از ملت خود فاصله دارند . بر این عقیده اند که باید باد «نسیم» شمال رقصید و در انتظار روزی نشست که شاهد مراد در آغوش اند و کارها بکام شود

۳ – عده ای که متاسفانه اکثریت دارند تن بدرویشی و لا ابالگیری میدهند ؛ بیا بد و خوب ، زشت و زیبا ، چپ و راست امپریالیسم و کمونیسم کارندارند – همینقدر میفهمند که ایرانی لیاقت ندارد و هر چه هست از خارجی‌هاست این عقاید که هر کدام مکتبی جداگانه را تشکیل میدهد و هر یك از آن مکتب ها شامل شعب متنوعی است ؛ همه در یك چیز مشترك است وآن ضعف و بی اعتمادی و سست ایمانی است غارتگران از بیداری مردم متوحشند و ناچار سر بآستانه خونخواران بین‌المللی میسایند زیرا خودرا در مقابل انصاف وحقیقت و عدالت و در برابر وطن و جامعه بشری ضعیف وناتوان می‌بینند از مردم میترسند و بارباب پناه میبرند ایمان بنیروی ملی برای آنها معنی ندارد چه وقتی نیروی ملی بوجود آمد ، آنها از بین رفته اند موقعیکه آفتاب دمید خواه ناخواه بساط ظلمت وسیاهی برچیده میشود

اما دسته دوم یا آزادی خواهان بر عکس ادعای خود به نیروی ملت متکی نیستند این نیرو را قوی ومنشاء اثر نمیدانند در نظر آنها قوای استعمار بی اندازه و خارج از حدیکه ملت بر آن پیروزشود نیرومند است و برای کوبیدن آن استمداد ازخارجی را فتوی میدهند وبفتوای خودمفتخر و سرافراز هم هستند . دراین نظریه هم ضعف وبی ایمانی ـ ضعف خارج از حد وبی اعتنائی بقوای ملت بطور وضوح جلوه گراست . اگراین عده واقعاً بملت عقیده دارند چرا بسراغ خارجی میروند مگر انقلاب فرانسه بکمك خارجی صورت گرفت ؟ مگر دموکراسی سویس وسوئد را دست بیگانه بوجود آورد ؟ مگر وقتی امریکا برضد فشار و زورگوئی انگلستان قیام کرد دست غیبی جز اراده مردم پشتیبان قیام ملت بود مگر انقلاب روسیه راخارجی ایجاد کرد ؟ اگرجواب این سئوالات منفی است پس چرا شما بدایه دلسوزتراز ... ار عقیده دارید ؟

جواب همان است که میدانیم بازهم ضعف و بازهم عدم توجه به نیروی فیاضی که (اراده ملت) نام دارد .

درباره عقیده سوم جای تردید باقی نمی ماند شما صاحبان این فکر زهر آگین و مسموم را در پشت منقل ، در حاشیه خیابانها در سایه دودهای غلیظ افیون می بینید واگر با منطق ارسطو و مابعد ارسطو وفلسفه افلاطون و مابعد افلاطون رای ایشان دلیل و حجت بیاورید آنچه در جواب شما خواهند گفت همان است که اول گفته اند : (نمیشود آقا ... نمیشود)

اما عقیده چهارمی هم وجود دارد واین عقیده همان است که مورد پشتیبانی نویسنده است وبدون تردید روزی همه جارا فرا خواهد گرفت و با بن زبونی وبیچارگی خاتمه خواهد داد اگر تقاضا ها وخواست های مردم بخوبی درك شود وسیاستی بر اثر آن اتخاذ گردد ؛ این سیاست ، سیاست ملی وآن تقاضاها اراده ملی است قدرت واهمیت نیروی ملی درموارد قضایای نفت وکانال سوئز بخوبی معلوم شد . نمیخواهم بگویم سابقا اهمیتی نداشت ولی آن تظاهرات و تجلیات بصاحبان سه عقیده اول درس بزرگی داد که اگر سوء نیتی درکار نباشد باید بتأثیر آن معترف شوند این قوه عظیم ، این تظاهرات بی ریا در وهله اول سدی ایجاد کرد که بزرگترین قدرتهای استعماری را بزانو در آورد یکی از مخبرین محافظه کار نوشت « این دفعه ملت قیام کرده است وسرباز ایرانی بر عکس شهریور ۲۰ خواهد جنگید زنها و دختر ها هم خواهند جنگید » با مردم مواجهیم ، با مردم ! » اتفاقا این مخبر راست میگفت زیرا دختران رشید وادی نیل اسلحه بدست درمقابل انگلیسها قد راست کرده میگویند « ... در خانه ما چه می خواهید این قوه عظیم ، درعقیده سوم یعنی صوفیگری و درویشی تاثیر آشکاری کرد مردم را امید وار ساخت وفهمیدند اگر بخواهند .. میتوانند ، فهمیدند که خواستن توانستن است وبزرگترین قدرت ها در آستانه اراده ملت سر تسلیم برخاك خواهند سائید اینك نباید گذاشت این احساسات از غلیان بیفتد . تعریف زیادی و بله قربان بازی را نسبت بدولت باید کنار گذاشت . باید قوای خفته و خسته مردم را بیدار کرد بآنها جان داد باید نشان داد که ضعف و زبونی صفت مردگان است و تبلیغ آن بنفع کسانی است که میخواهند از روی نعش مردم بگذرند، میخواهند در مرگ ملت شادی کنند نه با حضور ملت ، باید مردم را باراده خود، به قوه عظیم نهانی خود متوجه و امیدوار ساخت و بآنها گفت که با این اسلحه دشمنان خودرا بکوبند اینها کارهائی است که از تعریف وتوصیف فلان و بهمان وبت سازی وبت پرستی لازم تر است



اخبار از رادیو تهران

ساعت ده وبیست دقیقه روز دوشنبه جلسه علنی مجلس سنا بریاست آقای تقی زاده تشکیل شد آقای رئیس اظهار داشتند درسه سال قبل چنین روزی اعلامیه حقوق بشر که دارای اهمیت تاریخی جهانی بود بتصویب ملل رسید واز لحاظ اهمیتی که اعلامیه حقوق بشر دارد کلیه ملل جهان با نظر تکریم بآن می نگرند

سپس یکی از سناتورها در باب اعلامیه حقوق بشر بگفتگو پرداخت واظهار نظر کرد که برای رفاه رعایای این کشور دولت باید اقدامات قانونی بنماید .

جناب آقای دکتر مصدق روز سه شنبه درجلسه مجلس شورای ملی حضور بهمرسانیده وگزارش مربوط بفروش نفت ومسائل جاری کشوررا بعرض مجلس شورای ملی رسانیدند

دراین دوروزه اخیر محل خدمت فرمانداران وروءسای شهربانی وژاندارمری در نقاط آذربایجان ـ گرگان • شاهرود • سمنان • دامغان • قزوین زنجان تغییر یافته درشهربانی ۲ سرتیپ ٤ سرهنگ ٥ سرهنگ ۲ ۱۱ سرگرد ۹ سروان ۲۰ ستوان یکم ودر ژاندارمری ٤ سرهنگ ٥ سرهنگ ۲ ـ ۳۷ سرگرد ۱٤ سروان تغییر ماموریت یافته اند .

اعلیحضرت همایونی با نصب مجسمه کریم خان زند در شیراز موافقت نمودند

ساعت ده صبح دیروز آقایان محمد زند امیر شوکت مؤسس تشکیلات خاندان زند وحسنعلی رفیعا دبیر کل خاندان زند حضور ملوکانه شرفیابی حاصل نموده و راجع به تشکیلات خاندان زند وایلات زندیه ومنویات اهالی شیراز مبنی بر نصب مجسمه کریم خان زند در شیراز گزارش لازم بعرض ذات شاهانه رسانیده و اعلیحضرت همایونی راجع بنصب مجسمه کریم خان زند در شیراز موافقت فرموده اند .

اخبار خارجه

۱ – دولت مصر دیروز یك جلسه محرمانه فوق العاده تشکیل داد در قاهره شایع است که مصر در نظر دارد روابط خود را با انگلستان قطع نماید .

رئیس جمهور امریکا بطور غیر منتظره بوا شنگتن عزیمت و با سران نظامی آن کشور نسبت بوضع کره مذاکراتی نمود .

آبونمان

یکساله ۱۵۰ ریال

بهای آگهی بااداره است

مقالات وارده مسترد نمیشود

اداره روزنامه در تصحیح مقالات مختار است

بقیه ازص۱ — رازدل

چیست کز دیدن خلقی آگاه — شودش شادی بی حد حاصل

چون که بیند همه آیند براه — نیست این قافله یکدم غافل

طپد از شوق وبخندد ناگاه — خود دل است این دل زنجیر گسل

بحرالعمیق — ازعبدالله

نامه یك کارگر مصری

بکارگر ایرانی

سالها رفت که من بنده شرمنده هرآنگاه که ازخانه خرجت و بکانال ذهبت بی جان کندن پرزحمت و پر رنج و مشقت : همه آسیب ومذلت همه نکبت همه خفت زسر صبح الی الشام بفعالیت وکار بسا بود .... که از « مستر » الدنك اکلت دوسه تا ضربه اردنك و سمعت بد وبیراه وخرجت چوسك لاس ز پیش وی و آنوقت ذهبت بسر کارومن البدو الی الختم بصدخفت و زاری ودو صد نکبت وخواری بسر آورده وآنگاه اذالليل برفتم بسوی خانه ، نه پولی و نه مولی نه لباسی نه مباسی ونه آبی ونه نانی فاذاقال عیالی که چرا باز بود جیب تو خالی من بیچارهٔ نه تابی و نه حالی نه جوابی نه مجالی که کشم پیش مقالی وبگویم که چه بگذشته و چونست مرا حال ـ که ناگاه زنك نیز زجاجستی و چون شمر کمر بسته مرامیزد و ایضا ضربات المتواتر زنه کفش همی خورد علی الراس من طاس ؛ سری را که چو قرطاس ، همی لیس له مو

غرض اینکه بسا رفت بما ظلم از این « مستر » ملعون و همه خلق یقولون که این « انگلوساکسون » بود همسر طاعون ونفوذش بهمه جای روان است وهم اوست که فرمانده شاهان جهان است وهم او حامی بهمان وفلان است و یا دشمن آن است وچنین است و چنان است که گر بر سرخاشاك یکی پشه بجنبد واذا مورچه بخندد و اذا زنجره ای عطسه نماید بدرستی که سررشته این پشه جنبان وهمان مورچه خندان وهمان زنجره عطسه زنان هست بدست دوسه تن « مستر » غدار و بتحقیق همین است و جز این نیست که استاد ازل خواسته اینطور زچو خواهد که بسی ابر بیاید بدرستیکه بیاید واذا خواست ببارد بدرستیکه ببارد ودراین باره یقولون که در دست بریتانی مکار بود غمزه یارو ودگر سرخی آلبالو ودگر زردی زردالو وهم گردی گردو و فقط پهنی یارو

من بیچاره ازاین ترس نیاورد بلب حرفی و قد خورد بسا تو سری ودیدبسازحمت وبس خفت وذلت که بناگاه سمعت شبی ازرادیو قاهره این مژده که درمملکتی دور شما خلق سلحشور ، بصد ولوله و شور بکندید زخاك وطن خود کلك « مستر » بغیوز همان دشمن دیروز ، همان عنصر مرموز وزدیدش بسر شط عرب روی بقبله دوسه اردنك وبراندید بجائی که نی انداخت عرب دشمن خونخوار بشر را وچومن این سخنان را بشنیدم ز سرشوق بریدم وبتحقیق دویدم ـ سریك کوچه رسیدم ودوتا «خاتوت» دانشجو بدیدم همگی جانب کاشانه دویدیم ، تفنگی بخریدیم والی الترعه دو دیم وزمانع بپریدیم .... به مستر بجهیدیم وشکستیم و ببستیم و بتحقیق که کانال شود پاك تو روزگار ازلشگر یارو .

(توضیح : بقیه ان (بحرالعمیق) دردست مصری ها است)

آیا تشکیل بلوك سوم نزدیك است

بقیه ازصفحه یك

در ۱۹۰٤ شعله جنك روس وژاپون زبانه کشید وهنوز این آتش خاموش نشده بود که دره ۱۹۰۰ قوای خونخواران جنوب افریقارا بخاك وخون کشید وبوئرهارا چنان وحشیانه کوبید که حتی تاریخ نویسان قوم فاتح نیز ازشرح آن ننگ ... هنوزغوغای جنوب افریقا خاموش نشده بود که درشمال برق ... بخرمن هستی مردم افتاد ـ ولی هنوز کم بود . در۱۹۱۲ جنگ بالکان دنیا را تکان داد ودر همان حال صلح مسلح کشورها ... سرعت در جاده جنك و خونریزی میکشاند ـ در ۱۹۱٤ مخوف ترین ووسیعا نه ترین جنگها درگرفت و ملیونها جوان مادر ... را بدیارنیستی فرستاد

بقیه دارد